

# امید

مجید نفیسی



مردم را در خواب می‌خواند  
که در جان او آشیان دارد  
و بی آنکه از او دانه ای بخواهد  
پیوسته آواز می‌خواند.  
من آن را چون جیرجیرکی دیدم  
که در خواب های کودکی ام ظاهر شد،  
در شعرهای نوجوانی ام بالید  
و در هیاهوی یک انقلاب گم شد.  
امروز در تبعید تنها مانده ام  
اما هنوز هم

وقتی که به ایوان می‌روم  
تا به تنها گلدان خانه ام آب دهم  
آوای جیرجیرکی را می‌شنوم

که از پشت خیزران های همسایه  
مرا به سوی خویش می خوانند.

سوم نوامبر ۲۰۱۲